



تأحق تفسیر آیات حقوقی قرآن

الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدِ جَمَعُوا لَكُمْ فَآخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ

آن مؤمنانی که چون مردم (منافق) به آنها گفتند: لشکری بسیار بر علیه شما مؤمنان فراهم شده، از آنان در اندیشه و بر حذر باشید، (این تبلیغات) بر ایمانشان بیفزود و گفتند: تنها خدا ما را کفایت کند و او نیکو وکیل و کارساز است.

۱۷۳ آل عمران

پس از پایان جنگ احد، لشکریان ابوسفیان که پیروز شده بودند، تصمیم گرفتند جنگ دیگری راه بیندازند تا باقی مانده سپاه پیامبر(ص) را هم نابود کنند.

پیامبر اکرم(ص) با تدبیر و سیاست مسلمانان را آماده کردند و

مخصوصاً فرمان دادند مجروحان به صفوف لشکر

پیوندند. معبد الخزاعی که خود مشرک بود،

با دیدن وضعیت سپاه اسلام، منقلب

شد؛ لذا هنگام گذر از سرزمین روحا

و ملاقات ابوسفیان سپاه اسلام را

سریع و بی سابقه باز نمود و اضطرابی

بزرگ ابوسفیان را فرا گرفت؛ در

نتیجه ابوسفیان تصمیم به عقب

نشینی گرفت و برای در امان

ماندن از تعقیب مسلمانان و

فرصت کافی برای هزیمت، به

شیوه تبلیغات متوسل شد و از

قبیله عبدالقیس که برای خرید

گندم به مدینه می رفتند خواهش

کرد که به مسلمانان و پیامبر

اکرم(ص) خبر دهند که ابوسفیان با

لشکری انبوه به سوی مدینه می آیند تا

بقیه یاران پیامبر را از پای در آورند.

پیامبر اکرم(ص) پس از شنیدن این خبر فرمودند:

«حَسْبُنَا اللَّهُ وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ» خدا ما را کافی است و بهترین مدافع ماست.

سرانجام سپاه اسلام سه روز منتظر شدند اما از لشکر دشمن خبری نشد و سپاهیان اسلام به مدینه بازگشتند.

منبع: تفسیر المیزان جلد ۳ ص ۲۰۲-۲۰۴

وکیل در ادبیات حقوقی معنای خاص خود را دارد و به معنای نایب انجام امری از طرف موکل است.

(مستنبط از ماده ۶۵۶ قانون مدنی)

وکیل اصولاً طرفدار نیست، بلکه مدافع است و از حقوق قانونی موکل دفاع می کند؛ ولو اینکه موکل مجرم باشد، وکیل موظف است از حقوق و امتیازات قانونی او دفاع کند.

حال خداوندی که عالم مطلق است و قادر مطلق، به راستی بهترین وکیل است و در دفاع از حقوق بندگانش خوب یا بد را ملاک قرار نمی دهد و اینگونه نیست که تنها حامی انسانهای بی گناه باشد؛ در دادگاه عدل الهی هر حق تزییع شده ای احیا خواهد شد و خداوند از حق خود می گذرد اما از حق بندگانش نمی گذرد.

آیه ۲۵ سوره حدید به یکی از اهداف بعثت پیامبران که عدالت است، می پردازد و نظریه اسلام درباره عدالت و راه رسیدن به آن را بیان می دارد.

همان طور که در ابتدای آیه نمایان است، (لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ) اسلام پایه را بر انقلاب فکری و فرهنگی گذارده است و مرحله اول از مراحل گسترش عدالت و داد بر روی زمین را از گذرگاه تعلیم و تربیت میسر دیده است. به طوری که با استفاده از بینات که همان معجزات و دلایل عقلی است و کتاب که ایدئولوژی اصلی اسلام است و مشتمل بر معارف دینی از قبیل عقائد حقه و عمل صالح است و میزان که مصداق معنوی آن دین و شریعت است و عقاید و اعمال اشخاص به وسیله آن سنجیده می شود، هدف و فلسفه نبوت را که اقامه قسط و عدل است تحقق می دهد.

از آن جایی که قسط به صورت مطلق در این آیه آمده است در می یابیم که مقصود عدالت در تمام زمینه ها و ابعاد اعم از اقتصادی، اجتماعی و... می باشد. و از

همین رو است در بند ۹ اصل سوم قانون اساسی نیز بر رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه، در تمام زمینه های مادی و معنوی

تاکید شده است و اصل نوزدهم و بیستم نیز به بیان برخورداری مساوی مردم از تمامی حقوق، فارغ از جنسیت و قومیت آنها پرداخته است. نکته

مهمی که از عبارت (لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ) استنباط می شود این است که در امر عدالت مردم باید خودجوش باشند و به عبارتی به جای آن که

پیامبران آنان را وادار به عدالت و قسط کنند، خود آن ها مجری عدالت باشند. برای اینکه مردم بر سرنوشت خود حاکم باشند و عدالت تحقق

یابد، ابتدا نیاز است حکومت و تشکیلاتی را به وجود بیاورند که از طریق آن بتوان جامعه را در مسیر عدالت پیش برد.

اینجاست که پیوند حقوق با سیاست و اجتماع آغاز می شود و پس از آن، خداوند هم مردم را مجری عدالت خوانده است؛ لذا باید بعد از تشکیل

حکومت و جامعه اسلامی نیز مردم فعال و مسئول باشند و یکدیگر و دولت را به حق و عدالت دعوت کنند و رفتارهای ظالمانه و خلاف عدالت افراد و

دولت را نقد کنند و نسبت به آن هشدار بدهند.

اینجاست که نظارت همگانی رقم می خورد و این نظارت حق و تکلیف قانونی و

شرعی مردم است که در اصل هشتم قانون اساسی نیز عنوان شده است، اما از آنجا که همواره در هر جامعه ای افراد طغیانگری وجود دارند که خوی ستمگری و زیاده خواهی در

آنها غلبه دارد، قرآن گام بعدی رسیدن به عدالت را پیش روی ما روشن می سازد و آن (وَ أَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ) است که طبق معنای بآس که شدت و قوت و قدرت است و به مبارزه و جنگ نیز اطلاق می شود، مردم با ایمان به وسیله حدید سلاح-

در برابر زیاده خواهی های ستمگران برخورد شدید می کنند و به عبارتی تجهیزات سه گانه ی انبیا(بینات، کتاب و میزان) برای اجرای عدالت وقتی به هدف نهایی خود می رسد که از

این ضمانت اجرا برخوردار باشد.

در ادامه به یکی دیگر از اهداف ارسال پیامبران و نزول کتب آسمانی و آفرینش وسایلی چون آهن اشاره کرده و می فرماید: (وَ لِيَعْلَمَ اللَّهُ مَن يَنْصُرُهُ وَ رُسُلَهُ بِالْغَيْبِ) به عبارتی به این

وسیله خداوند انسانها را می آزماید تا آشکار شود که چه کسی به یاری خدا و مکتب او به پا می خیزد و قیام به قسط می کند و چه کسی از این وظیفه مهم الهی سر باز می زند.

تعبیر «به یاری خداوند» مسلماً به معنای یاری دین، نمایندگان او و بسط آئین حق و عدالت است و گرنه خدا نیاز به یاری کسی ندارد و همگان نیازمند او هستند. برای اثبات

همین معنی است که آیه با عبارت (إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ) پایان می یابد.

منبع: تفسیر نمونه، تفسیر میزان و تفسیر نور

از شهریور ۵۷ تا آبان ۹۸

بنابر تصمیم فرماندهی نظامی، منع عبور و مرور اعلام میشود.

این جملات آشنا در تاریخ ۱۷ شهریور ۱۳۵۷ در تهران و ۱۱ شهر دیگر، تنها ساعت ۶ صبح منتشر شد و بسیاری از مردم از آن بی خبر بودند! گوزیچکین، سفیر وقت شوروی، در همین باره میگوید: «هدف دولت متفرق کردن تظاهرات نبود بلکه می‌کوشید تا همه کسانی را که در تظاهرات شرکت کرده اند یک جا از میان بردارد.»

پس از سرکوب قیام، اجساد کشته شدگان توسط ارتش به نقاط نامعلومی در گورستان‌های دسته جمعی منتقل و دفن شد. ارتشی که پایه مستحکم اجتماعی و ساختار اقتصادی-نظامی درست نداشت. ارتش قبل از انقلاب ایدئولوژی خاصی نیز نداشت. ارتش هیچگاه نتوانست خود را با ایران یکی بداند و سرنوشت کشور را به دست بگیرد. سربازانی را که نه آمادگی و نه انگیزه مقابله با مردم را دارند، تنها یک بار میتوان مجبور به تیراندازی کرد. در کشتار جمعه سیاه، مردم افسری را که دستور شلیک داد بود، کشتند و بعضی از سربازان هم خودکشی کردند. علت، این بود که ارتش در رویه روی خودش دشمن نمی‌دید؛ بلکه بالای سر خود ارباب می‌دید. اما باید دید حکومت جمهوری اسلامی که مردم را از پایه‌های اصلی حکومت می‌داند، چه راهکارهای عملیاتی برای اعتراض قانونی مردم پیش بینی کرده تا کشتار جمعه سیاه مجدداً تکرار نشود؟!

اصل بیست و هفتم قانون اساسی: تشکیل اجتماعات و راه پیمایی‌ها، بدون حمل سلاح، به شرط آن که مخل به مبانی اسلام نباشد آزاد است.

اصل بیست و هفتم قانون اساسی مسیر طرح مستقیم مطالبات مردم از مسئولان نهادها و بخش‌های مختلف است؛ مسیری که منجر به کارآمدتر شدن مسئولان و سازمانها می‌شود. افزایش رضایت عمومی پیامد نهایی تحقق این اصل است. اگر مسیر اعتراضات مسالمت آمیز مردم مسدود شود امکان شکل‌گیری تجمعات خشونت آمیز که مخل مبانی امنیت عمومی هستند، فراهم شده و منافع ملی و فردی آسیب می‌بیند. عدم ارائه بستر قانونی برای تجمع مردم باعث می‌شود رسانه‌های معاند به خط دادن به اعتراضات مردم اقدام کنند.

عدم تحقق ظرفیت‌های اصل ۲۷ موجب شده در مقاطع مختلف که مردم اعتراضاتی داشتند شاهد موج سواری رسانه‌ها و جریان ضد انقلاب از اعتراض به حق مردم باشیم.

بعد از اعتراضات دی ماه ۹۶ دولت تلاش کرد با تصویب آیین‌نامه‌ای، تشکیل تجمعات مردمی در اماکن خاص و تعیین شده را عملی کند اما این آیین‌نامه با این دلیل که قانون اساسی در اصل ۲۷ محدودیت مکانی قرار نداده، از سوی دیوان عدالت اداری رد شد. در حالی که ناظران حقوقی و سیاسی معتقد بودند وقتی نمی‌توان یک اصل را به صورت کامل تحقق بخشید، باید در حد توان فعلی در تحقق آن کوشید. اعتراض مدنی یکی از مهم‌ترین ابزارهای مورد استفاده در جوامع دموکرات برای مطالبه حقوق مردم است. برای تحقق این مهم باید مؤلفه‌ها و شاخص‌های یک اعتراض مدنی را بدانیم. بی شک شرط اول پرهیز از خشونت و پرخاشگری است؛ همچنین تعیین خواسته‌های معقول و نه براندازانه، از ویژگی‌های اصلی اعتراضات

مدنی است. نکته دیگر آن که معترضان در کشورهای توسعه یافته برای بیان اعتراضات خود منافع عمومی را هدف نگرفته، باعث آزار و اذیت شهروندان نمی‌شوند. باروش‌هایی همچون تقویت احزاب، توجه به حقوق تشکل‌های صنفی و بهره‌گیری از ظرفیت‌های قانون اساسی باید حق اعتراض مردم و حفظ امنیت معترضان را تضمین کرد.

منابع

۱- هدایت‌الله بهبودی رئیس دفتر ادبیات انقلاب اسلامی

۲- حجت الاسلام عبدالمجید معادی خواه

۳- کتاب ایرانی‌ها چه رویایی در سردارند

۴- آرزو فرشید

حقوق کیفری بین الملل به مسئولیت کیفری فرد می‌پردازد و افراد را محکوم می‌کند چه بسا دولتی خود قربانی جرم باشد و گروهی علیه دولت شورش کنند.

یکی از جرائمی که حقوق کیفری بین الملل به آن می‌پردازد، جنایت علیه بشریت است. جنایت علیه بشریت ابتدائاً جرائمی با زمینه خاص مخاصمه مسلحانه بود اما عرف بین‌المللی زمینه مخاصمه مسلحانه را منتفی کرد و اکنون هر جرم در زمان صلح یا جنگ جنایت علیه بشریت شناخته می‌شود. البته هر جرمی در زمان صلح جنایت علیه بشریت نیست، بلکه «اقدامات سازمان یافته یا گسترده علیه جمعیت غیر نظامی با آگاهی از حمله» که در ماده ۷ اساسنامه رم موارد زیر آمده است: قتل عمد، کشتار جمعی، به بردگی گرفتن، اخراج یا انتقال اجباری جمعیت، حبس و محرومیت شدید از آزادی فیزیکی، شکنجه، تجاوز بر دگی جنسی یا هر شکل دیگر از خشونت جنسی با شدت مشابه، تعقیب و آزار هر گروه جمعیت قابل شناسایی به علل

سیاسی نژادی ملی قومی فرهنگی، ناپدید کردن اجباری افراد، آپرتاید، سایر رفتارهای غیر انسانی با خصیصه مشابه.

لازم به ذکر است دولتی که در حال جنگ است، اگر رفتار مجرمانه علیه اتباع خودش انجام بدهد، جنایت جنگی نیست اما جنایت علیه بشریت هست.

قربانیان جنایت علیه بشریت جمعیت غیر نظامی هستند؛ پس ضربه زدن به نظامیان مشمول جنایت علیه بشریت نمی‌شود. اتباع غیر نظامی دشمن، اتباع خودش و بی‌تابیت‌ها چه در زمان صلح چه در زمان جنگ.

در دیوان کیفری بین الملل در تعریف جنایت علیه بشریت اطلاع داشتن از حمله نیز وجود دارد به این علت که این جرم جرم رهبران و مافوق‌ها نیست بلکه آدم‌های عادی نیز ممکن است در درگیری متهم شوند. یک جرم توده‌ای است و حداقل باید از پازل کلی و اقدامات علیه یک جمعیت غیر نظامی مطلع باشد. قصد کمک به آن سیاست هم مد نظر نیست؛ بلکه صرفاً اطلاع و استفاده از آن آگاهی برای ارتکاب جرم کفایت می‌کند.

در قانون اجرای جرائم دیوان آمده است : جنایت علیه بشریت، رفتارهای خشن پراکنده و خودانگیخته و بدون طراحی قبلی را شامل نمی‌شود؛ پس دعواهای خیابانی، توهین کردن، متلک انداختن حتی به صورت گسترده جنایت علیه بشریت نیست؛ یعنی جنایت علیه بشریت از سوی مقام بالاتر خط‌دهی میشود، چیزی که احراز جنایت علیه بشریت را دشوار می‌کند. حمله علاوه بر گستردگی یا سازمان یافتگی باید در راستای خط‌مشی‌های سازمانی گروه دولتی یا غیر دولتی-شورش باشد؛ یا اصلاً ترک فعل باشد یعنی دولت یا گروه کنترل‌کننده در منطقه وقوع جرم با کوتاهی‌های عمدانه زمینه را برای ارتکاب جرم تسهیل نماید.

بنابر تفاسیل فوق، رفتار خشن حکومت در سرکوب مخالفان، می‌تواند مصداق جنایت علیه بشریت باشد. چه اینکه حکومت وقت علاوه بر امتناع از مدیریت منطقی اعتراض، قتل عمد و کشتار جمعی نیز مرتکب شده است.

فاطمه قربانی



ابعاد حقوقی قطعنامه ۵۹۸

روز دوشنبه ۱۹ مرداد ۱۳۶۶، به درخواست خاویر پریز دکویبار، دبیرکل وقت سازمان ملل متحد، میان دو کشور عراق و جمهوری اسلامی ایران آتش بس برقرار شد.

الف- علل صدور قطعنامه و فرایند آن

در سال ۱۳۵۹ با تجاوز دولت عراق به خاک ایران به دستور صدام حسین، جنگ تحمیلی میان دو کشور آغاز شد و هشت سال به طول انجامید. در طی این مدت، تلاش‌هایی برای پایان جنگ توسط دولتهای منطقه و سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی صورت گرفت و در نهایت، با صدور قطعنامه‌ی آتش بس ۵۹۸ توسط شورای امنیت سازمان ملل متحد در هفتمین سال جنگ، شرایط پایان جنگ برای دو کشور مهیا شد. دولت عراق بلافاصله قطعنامه را پذیرفت، ولی انتقادات و ایرادات وارده ایران به نقایص آن و امیدواری مقامات عالی در خصوص صدور قطعنامه‌ی جدید که منافع کشور ما را به طور جدی تری تأمین کند، قطعنامه ۵۹۸ را به مدت یکسال در حالت تعلیق نگاه داشت.

محسن رضایی، فرمانده وقت سپاه پاسداران، در مورد پذیرش قطعنامه ۵۹۸ میگوید: «دو نگاه در خصوص قطعنامه ۵۹۸ وجود داشت. در نگاه اول مقایسه‌ای بین این قطعنامه

و دیگر قطعنامه‌هایی که از سوی شورای امنیت صادر می‌شده صورت می‌گیرد و سرانجام با توجه به تنظیم نکاتی در قطعنامه ۵۹۸ آن را

تا حدودی به نفع ایران تعبیر میکنند و به همین واسطه مورد پذیرش مقامات قرار می‌گیرد. بر اساس نگاه دوم، شرایط

نظامی در سالهای اواخر جنگ، به گونه‌ای بود که ایران در موضع ضعف قرار گرفت. از یک طرف عراق

درازدستی‌هایی به لحاظ نظامی در مرزهای ایران داشت و حتی قسمت‌هایی از خاک ایران را به

تصرف خود درآورده بود و از سویی دیگر، آمریکا با آوردن ناوگان جنگی خود، منطقه خلیج فارس را به کانون

بحران تبدیل کرده بود. ادامه جنگ در چنین صورتی کاملاً به

زیان ایران بود، بنابراین بهترین راه ممکن برای جلوگیری از ضررهای احتمالی آتی،

پذیرش قطعنامه ۵۹۸ است.»

در ماه‌های پایانی جنگ، ایران از نظر فروش نفت و تأمین نیازهای ارزی خود برای خرید تسلیحات با مشکل

رو به رو بود.

حمله به هواپیمای مسافربری ایران و شهادت ۲۹۰ نفر سرنشین بی‌گناه، بمباران شیمیایی هزاران روستا و صدها هزار تن از غیرنظامیان، تحریم‌های تسلیحاتی، تبلیغات جهانی علیه ایران و معرفی عوام فریبانه صدام و حزب بعث به عنوان طرف صلح طلب به دلیل پذیرش قطعنامه؛ مجموعه این شرایط مقامات ایران را به این نتیجه رساند که مصلحت کشور و نظام نوپای جمهوری اسلامی در پذیرش قطعنامه و به

توصیف امام خمینی «نوشیدن جام زهر» بود.

البته در همان مقطع هم افرادی مانند آیت الله هاشمی و حجت الاسلام حسن روحانی معتقد بودند که ایران باید در دوران جنگ یک عملیات پیروزمندانه دیگر را انجام دهد و سپس وارد مذاکره و پذیرش آتش بس شود.

نکته قابل ذکر در مورد آن مقطع این است که مسئولان عالی ایران در دوران جنگ منتظر موقعیتی بودند تا با موضع بالاتری نسبت به عراق وارد مذاکره شوند. در آن زمان ایران

شبه جزیره فاو، جزایر مجنون و بخش عمده شلمچه را در اختیار داشت و این به معنی قرار گرفتن ایران در موضع قدرت بود. به تصویب رسیدن قطعنامه در چنین موقعیتی اتفاق

تازه‌ای نبود؛ چرا که سازمان ملل پس از هر حمله موفق نظامی ایران و زمانی که فشار ایران بر صدام و حامیان او افزایش پیدا میکرد، قطعنامه‌ای با موضوع دعوت به آرامش و بازگشت به مرزها را به صورت تلویحی یا تصریحی صادر می‌کرد.

در پی اعلام قبول قطعنامه ۵۹۸ از سوی ایران، امام خمینی در پیامی به تشریح سیاست جدید جمهوری اسلامی در قبال جنگ تحمیلی و دلایل پذیرش قطعنامه پرداخت: «در

مورد قبول قطعنامه که حقیقتاً مسئله بسیار تلخ و ناگواری برای همه و خصوصاً برای من بود، این است که من تا چند روز قبل معتقد به همان شیوه دفاع و مواضع اعلام شده

در جنگ بودم و مصلحت نظام و کشور و انقلاب را در اجرای آن میدیدم؛ ولی به واسطه حوادث و عواملی که از ذکر آن فعلاً خودداری میکنم، و به امید خداوند در آینده، روشن خواهد شد و با توجه به نظر تمامی کارشناسان سیاسی و نظامی سطح بالای کشور، که

من به تعهد و دلسوزی و صداقت آنان اعتماد دارم، با قبول قطعنامه و آتش بس موافقت نمودم؛ و در مقطع کنونی آن را به مصلحت انقلاب و نظام میدانم.»

تفاوت اساسی قطعنامه ۵۹۸ با قطعنامه‌های پیشین، این بود که وضعیت حقوقی «جنگ» بین دو کشور به رسمیت شناخته شده و برای نخستین بار به تعیین متجاوز و محاسبه غرامت پرداخته شده بود. بنابراین، قطعنامه ۵۹۸ تنها قطعنامه‌ای بود که

جمهوری اسلامی ایران آن را رد نکرد؛ بلکه با حرکت دیپلماسی فعال و بهره‌گیری از زمان، در جهت تأثیرگذاری بر محتوای آن و حصول دستاوردهای سیاسی و حقوقی و حفظ اقتدار ملی تلاش نمود و به نتایج قابل توجهی دست یافت.

ب- قطعنامه ۵۹۸ و آثار آن

پس از پذیرش رسمی قطعنامه از سوی ایران و انجام مذاکرات با دبیرکل سازمان ملل متحد، آتش بس میان طرفین، از تاریخ ۲۹ مرداد ۱۳۶۷ برقرار شد و جنگ هشت ساله میان ایران و عراق رسماً پایان یافت.

قطعنامه ۱۰ ماده‌ای ۵۹۸ با یک مقدمه و ده بند توسط شورای امنیت با اتفاق آرا به تصویب رسید. بندهای قطعنامه بر اساس مواد ۳۹ و ۴۰ منشور سازمان ملل متحد به

عنوان ضمانت اجرا، بدین شرح می‌باشد:

- اقدام به آتش بس فوری و بازگشت تمام نیروها تا سرحدات شناخته شده بین المللی

- اعزام گروهی از ناظران سازمان ملل متحد برای نظارت بر آتش بس

- بازگشت بی‌درنگ اسیران جنگی بر اساس کنوانسیون سوم ژنو در ۱۲ اوت ۱۹۴۹

- دعوت به همکاری ایران و عراق مخصوصاً در کوشش‌های میانجی‌گرانه سازمان ملل

- دعوت از تمامی دولت‌های دیگر به خویشتن‌داری

- تحقیق در باب مسئولیت مخاصمه توسط هیاتی بی‌طرف

- محاسبه عظمت خسارات وارده

- تعیین هیاتی از کارشناسان برای پژوهش در باب مسأله نوسازی.

در جهت اجرای مهم‌ترین بند قطعنامه بند ۶- در خصوص تعیین متجاوز، یک هیات بلژیکی انتخاب و مسئول شد که متجاوز جنگ را شناسایی و به دبیرکل سازمان ملل متحد معرفی نماید. این هیات در آذر ۱۳۷۰ طی گزارشی به دبیرکل

سازمان، عراق را به عنوان متجاوز جنگ معرفی کرد. دبیرکل وقت سازمان ملل متحد، خاویر پریز دکویبار، این گزارش را طی یک جلسه رسمی به شورای امنیت تقدیم کرد:

«این یک واقعیت است که توضیحات عراق برای جامعه بین‌المللی قابل قبول و کافی نیست. بنابراین رویداد برجسته‌ای که تحت عنوان موارد نقض بدان اشاره کردیم (نقض حقوق بین‌المللی، استفاده غیرقانونی از زور و عدم احترام به تمامیت ارضی یک کشور که مسئولیت مخاصمه را به دنبال دارد) همانا حمله ۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰ علیه ایران است که با توجه به منشور ملل متحد و اصول شناخته شده قابل توجیه نیست و موجب مسئولیت مخاصمه است. حتی اگر پیش از آغاز مخاصمه برخی تعرضات از جانب ایران به خاک عراق صورت گرفته باشد، چنین تعرضاتی نمیتواند توجیه کننده تجاوز عراق به ایران باشد.

تجاوزی که اشغال مستمر خاک ایران را در طول مخاصمه در پی داشت. این تجاوزی است که ناقض مِم نوعیت کاربرد زور است که یکی از اصول حقوق بین‌المللی است... به عنوان مثال من به درخواست یک یا هر دو طرف در موارد متعددی هیاتهای کارشناسی برای تحقیق درباره موارد نقض از قبیل استفاده از تسلیحات شیمیایی، حمله به مناطق غیر نظامی و بدرفتاری با اسرای جنگی به صحنه نبرد اعزام کردم. با کمال تأسف این گزارشها حاکی از وجود شواهدی از موارد نقض جدی حقوق انسانی است...»

گیله و اعباسی



دادگاه ویژه

مصطفی بدرالدین، حسن حبیب مرعی، حسین غنیمی و صبرا، از هرگونه اتهام‌های مطرح شده در پرونده حریری می‌زنند؛ چرا که ادله لازم براتهام این چهار نفر وجود ندارد.

با این حال، این دادگاه سلیم عیاش از اعضای حزب الله را «مشارکت کننده» در ترور نخست‌وزیر سابق لبنان دانست و مدعی شد که او در این تروردست داشته است.

علاوه بر آن این دادگاه گفت که شاید حزب الله و سوریه انگیزه‌هایی در ترور نخست‌وزیر سابق لبنان رفیق الحریری داشته باشند ولی شواهد دال بر این مسئله وجود ندارد. ضمناً هویت بمبگذار انتحاری به علت از بین رفتن DNA او مجهول است. البته هنوز مجازات عیاش به عنوان تنها محکوم این پرونده مشخص نشده است و وکلای او حق تجدیدنظرخواهی در یک بازه یک ماهه را دارند. و همچنین دادگاه ویژه لبنان اعلام کرد به قربانیان، نزدیک محکمه ملی برای جبران خسارات کمک خواهد کرد.

منابع:

صدور رأی دادگاه ویژه لبنان در پرونده عیاش - مرکز حقوق

کیفری بین‌المللی ایران

مقاله تشکیل دادگاه ویژه لبنان؛ نگاهی متفاوت در حقوق کیفری

بین‌المللی

فاطمه مزجی



روز سه شنبه ۲۸ مرداد رأی ۲۶۰۰ صفحه‌ای دادگاه ویژه لبنان - STL - با دو هفته تأخیر به علت پیامدهای انفجار بند بیروت منتشر شد. متهمان این پرونده ۴ نفر از اعضای حزب الله لبنان بودند که به نقش آنها در انفجار ۱۴ آوریل ۲۰۰۵ و کشته شدن چند تن از جمله رفیق حریری - نخست‌وزیر وقت لبنان - رسیدگی شد. جمعاً پیش از اعلام رأی سید حسن نصرالله در سخنرانی خود مردود بودن هر نوع اتهامی را به نیروهایش به عنوان دبیر کل حزب الله لبنان متذکر شده بود. این دادگاه نوعی دادگاه مختلط است؛ یعنی ترکیبی از حقوق کیفری داخلی و بین‌المللی، با قضات داخلی و خارجی که در سال ۲۰۰۹ توسط شورای امنیت سازمان ملل متحد پیرو موافقت‌نامه ای منعقد بین دولت لبنان و سازمان ملل متحد، تشکیل شد و محاکمه را به صورت غیابی از ژانویه ۲۰۱۴ شروع کرد. تشکیل، نوع رسیدگی غیابی، ادله و مستندات و همچنین حکم مربوط به متهم پنجم این پرونده یعنی شهید مصطفی بدرالدین که به علت فوت از کیفرخواست اصلاحی حذف شده بود، از نکات قابل توجه و مطالعه این دادگاه ویژه است. در رابطه با شهید بدرالدین دادگاه به این نتیجه رسید که دلایل کافی برای مجرم دانستن او وجود ندارد! یکی از ویژگی‌های منحصر به فرد این دادگاه بین‌المللی در وابستگی موضوع صرفاً به مسائل داخلی است. مستند اصلی حکم این دادگاه نیز ارتباطات تلفنی آقای عیاش با نیت ترور حریری بوده است.

خلاصه این حکم طولانی پس از سال‌ها بررسی و هزینه‌کردهای بسیار زیاد به این شرح است:

معرفی فیلم

اعتیاد، جرم یا بیماری؟

اعتیاد، بیماری بودن آن را بر میگزینند، بنابر ماده ۱ بند ۵ قانون مبارزه با مواد مخدر، هنوز هم اعتیاد جرم است لکن به شرطها و شروطها...

قانونگذار ایران در قانون مبارزه با مواد مخدر و اصلاحیه سال ۱۳۸۹ آن، همواره با تعیین مجازات‌های سنگین بالاخص اعدام و حبس ابد، سیاست مبتنی بر سرکوب و کیفر محور خود قرار داده بود اما با ماده ۴۵ الحاقی قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۹۶/۷/۱۲ گامی در جهت محدود سازی اعدام برداشته شد که که بنابر بیانیه عفو بین‌الملل میتوان از آن به عنوان یک «آغاز» استقبال کرد.

محدثه اکبریان



پرفروش‌ترین فیلم اجتماعی سینمای ایران!! این عنوان شاخص، عنوانی است که حکایتگر «فیلم متری شیش و نیم» به کارگردانی سعید روستایی است. به زعم برخی، این فیلم عریان‌ترین و بی‌روتوش‌ترین چهره‌ی اعتیاد را در گوشه و کنار شهر به تصویر می‌کشد. ناصر خاک زاد (با بازی نوید محمدزاده) را میتوان ضد قهرمانی دانست که خود قربانی شرایط بد جامعه است و همین امر مخاطب را به تعلل درباره‌ی قضاوت او وامیدارد. اما در این میان کسانی هستند که با اذعان به «شاهکار» بودن این اثر، بر شیوه‌ی دادرسی نمایش داده شده در آن نقدی دارند یا بعضی از سکانس‌های آن را مطابق واقعیات موجود در جامعه‌ی امروز نمیدانند...

علی‌رغم اینکه بسیاری در دوراهی جرم یا بیماری بودن